



مسئولیت وکلای متعدد

محمد عابدی*

سمیه اکبرپورسکه**

چکیده

وکیل به موجب قرارداد یا عرف یا قانون در برابر موکل تعهداتی دارد و تا زمانی که سمت او باقی است، باید مطابق توافق صریح و یا ضمنی این تعهدات را در هر حال با رعایت مصلحت انجام دهد، در غیر این صورت مسوولیت دارد. تعهدات ویژه وکلای دادگستری ایجاب می‌کند که تقصیر آنان نیز حرفه‌ای و معیار تقصیر، رفتار متعارف یک وکیل امین و متخصص باشد؛ گاه موکل برای انجام موضوع وکالت اقدام به انتخاب دو یا چند وکیل می‌کند که اختیار آنان حسب مورد استقلالی و یا اجتماعی می‌باشد، همچنین ممکن است وکیلی با داشتن اختیار تفویض وکالت و یا بدون داشتن حق توکیل، موضوع وکالت را به دیگری تفویض کند.

در همه این فروض و فرضی که تعیین دقیق وکیل عامل زیان امکان‌پذیر نمی‌باشد، حسب مورد با تعدد واقعی یا ظاهری مسوولان مواجه هستیم اما مسوولیت آنان به چه کیفیتی است؟ هر چند قانون مدنی در مواد ۶۶۶ و ۶۷۳، بر مبنای قاعده تسبیب، به حل مشکل شناخت ضامن و تقسیم مسوولیت اجمالاً اقدام کرده است لیکن بررسی دقیق موضوع نشان می‌دهد گاه باید رابطه مسوولان را بر مبنای اجتماع سبب و مباشر حل کرد و گاه به مسوولیت اشتراکی

* دکترای تخصصی حقوق خصوصی، استادیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد، وکیل پایه یک دادگستری.

پست الکترونیک: dr.mabedi@um.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق خصوصی، پردیس بین الملل دانشگاه فردوسی مشهد.



و مسؤولیت تضامنی حسب مورد قائل شد. اگر وکلای استقلالی به صورت مستقل اقدام نمایند، وکیلی که زودتر موضوع وکالت را انجام داده است، در قبال موکل مسؤولیت خواهد داشت و اگر هر دو وکیل همزمان و با شرایط وکیل به موجب قرارداد یا عرف یا قانون در برابر موکل تعهداتی دارد و تا زمانی که سمت او باقی است، باید مطابق توافق صریح و یا ضمنی این تعهدات را در حال با رعایت مصلحت انجام دهد، در غیر این صورت مسؤولیت دارد.

تعهدات ویژه وکلای دادگستری ایجاب می‌کند که تقصیر آنان نیز حرفه‌ای و معیار تقصیر، رفتار متعارف یک وکیل امین و متخصص باشد؛ گاه موکل برای انجام موضوع وکالت اقدام به انتخاب دو یا چند وکیل می‌کند که اختیار آنان حسب مورد استقلالی و یا اجتماعی می‌باشد، همچنین ممکن است وکیلی با داشتن اختیار تفویض وکالت و یا بدون داشتن حق توکیل، موضوع وکالت را به دیگری تفویض کند.

در همه این فرضیه‌ها و فرضی که تعیین دقیق وکیل عامل زیان امکان‌پذیر نمی‌باشد، حسب مورد با تعدد واقعی یا ظاهری مسؤولان مواجه هستیم اما مسؤولیت آنان به چه کیفیتی است؟

هرچند قانون مدنی در مواد ۶۶۶ و ۶۷۳، بر مبنای قاعده تسبیب، به حل مشکل شناخت ضامن و تقسیم مسؤولیت اجمالاً اقدام کرده است لیکن بررسی دقیق موضوع نشان می‌دهد، گاه باید رابطه مسؤولان را بر مبنای اجتماع سبب و مباشر حل کرد و گاه به مسؤولیت اشتراکی و مسؤولیت تضامنی حسب مورد قائل شد. اگر وکلای استقلالی به صورت مستقل اقدام نمایند، وکیلی که زودتر موضوع وکالت را انجام داده است، در قبال موکل مسؤولیت خواهد داشت و اگر هر دو وکیل همزمان و با شرایط یکسان موضوع وکالت را انجام دهند، هر دو در قبال موکل مسؤولیت خواهند داشت و اگر وکلای استقلالی به صورت مشترک موضوع وکالت را انجام دهند، مسؤولیت آنان در قبال موکل به صورت اشتراکی خواهد بود، همچنین اگر وکلا به صورت اجتماعی باشند، مسؤولیت آنان در قبال موکل اشتراکی خواهد بود مگر این که ید آنان ضامنی باشد که در این صورت مسؤولیت نیز تضامنی

خواهد شد.

در فرضی هم که وکیل با حق داشتن توکیل، موضوع وکالت را به وکیل دیگری تفویض می‌کند اما موضوع وکالت را با وکیل دوم به صورت مشترک انجام می‌دهد یا وکیل معسر یا ناشایست انتخاب می‌کند یا نظارت عرفی کافی را بر اعمال وکیل دوم انجام نمی‌دهد، مسئولیت آنان در قبال موکل اشتراکی خواهد بود؛ در حالتی هم که وکیل بدون داشتن حق توکیل، موضوع وکالت را که مال باشد به ثالث واگذار کند، وکیل و ثالث در قبال موکل مسئولیت تضامنی خواهند داشت و اگر موضوع وکالت عمل حقوقی باشد و وکیل و ثالث مشترکاً انجام دهند، مسئولیت در قبال موکل اشتراکی خواهد بود و اگر ثالث موضوع وکالت را مطابق دستور وکیل اول انجام ندهد، فقط ثالث مسئولیت خواهد داشت و چنانچه ثالث موضوع وکالت را انجام ندهد، فقط وکیل اول مسئولیت خواهد داشت.

در فرضی هم که یکی از وکلای متعدد دچار تقصیر شده است اما از بین وکلای متعدد قابل تشخیص نیست و یکی یا برخی یا همه وکلا اقرار کنند، موکل در رجوع به هر یک از وکلا مخیر است اما اگر اقرار وجود نداشته باشد وکلا به تساوی در قبال موکل مسئولیت خواهند داشت. بر همین اساس اصلاح و بیان تفصیلی احکام مسئولیت وکلای متعدد در قانون مدنی ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: حق توکیل، سبب و مباشر، مسئولیت اشتراکی، مسئولیت تضامنی، مسئولیت قراردادی، وکلای متعدد



مقدمه:

در مسؤولیت مدنی و قراردادی، گاه ممکن است که واقعاً یا ظاهراً، عوامل متعددی اعم از مباشران و اسباب، در وقوع حادثه زیانبار شرکت داشته باشند. تعدد اسباب عرضی و تعدد اسباب طولی و اجتماع سبب و مباشر و مسؤولیت مدنی سبب مجمل و سبب ناشناس فرضی است که در قواعد عمومی مسؤولیت مدنی و مسؤولیت قراردادی مورد بحث قرار می‌گیرد و در خصوص یافتن مسؤول و تقسیم مسؤولیت نظریات متعددی ابراز شده است.

در نظام حقوقی ایران نیز اختلاف نظر در این زمینه فراوان است و رویه قضایی و اندیشه‌های حقوقی و قانون‌گذار راهکارهای متفاوت و گاه معارضی را ارایه کرده‌اند. قانون مجازات اسلامی نیز در آخرین تحول خود در سال ۱۳۹۲ اصلاحاتی را در مورد تعدد اسباب و اجتماع سبب و مباشر و مسؤولیت مدنی سبب مجمل مقرر نموده و گاه راهکارهای جدیدی را ارایه کرده که مطالعه این راهکارها و مبانی آن برای موضوع بحث ما، یعنی مسؤولیت مدنی و کلای متعدد، مفید و لازم است.

در فرضی که وکیل از حدود مصلحت یا اختیارات خود تجاوز کند، یا نسبت به اموال مورد وکالت مرتکب تعدی یا تفریط شود، مسؤول است حال ممکن است نسبت به موضوع وکالت، وکلای متعددی نیابت داشته باشند که پنج فرض قابل بررسی است؛ فرض نخست زمانی است که وکلای متعدد در انجام مورد وکالت مستقل باشند که در این فرض مسؤولیت هر کدام نیز انفرادی و استقلالی است.

فرض دوم وقتی است که وکلای متعدد باید مجتمعاً عمل نمایند که در این مورد در خصوص مسؤولیت اشتراکی و یا تضامنی آنان اختلاف نظر وجود دارد.

فرض سوم حالتی است که وکیل بدون واسطه از حق توکیل برخوردار بوده و سمت وکالت را به دیگری واگذار کند؛ در این حالت با فرض اینکه سمت وکیل نخست باقی باشد و وکیل با واسطه تخلف کند، در مورد مسؤولیت اشتراکی و یا تضامنی و یا استقلالی آنان از باب اجتماع سبب و مباشر جای بحث وجود دارد.

در فرض چهارم که وکیل بدون داشتن حق توکیل، وکالت را به دیگری تفویض کند، در خصوص اینکه مسؤولیت وکیل و ثالث، اشتراکی است یا تضامنی و استقلالی، تردید وجود دارد.

مجممل ماندن عامل زیان در فرض شبهه محصوره نیز به عنوان فرض پنجم قابل بررسی است.

در خصوص پنج فرض فوق، مقنن به اجمال اکتفا کرده و قانون صرفاً در فرضی

که وکیل بدون حق توکیل وکالت را به غیر واگذار کند، هر یک از وکیل و شخص ثالث را در قبال موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود، مسوول شناخته است (۶۷۳ ق.م).

با توجه به اینکه در خصوص مسئولیت وکلای متعدد در فروض پنجگانه فوق بحث مستقل و تفصیلی صورت نگرفته و با توجه به اینکه تعدد وکلاد در وکالت دادگستری و غیردادگستری مرسوم است، مطالعه آن ضرورت دارد.

گفتار نخست:

مسئولیت وکلای متعدد در قبال موکل با فرض فقدان حق توکیل

در این گفتار به این مسأله می‌پردازیم که اگر وکیل بدون داشتن حق توکیل، شخص دیگری را انتخاب کند و موضوع وکالت را به این شخص تفویض کند و شخص ثالث دچار تقصیر و تخلف شود و از این حیث به موکل خسارت وارد آید، مسئولیت با چه کسی است؟ آیا فقط شخص ثالث در قبال موکل مسوول است یا وکیل اول هم مسوولیت دارد و اگر هر دو مسوولیت دارند، مسوولیت آنان به چه نحو می‌باشد؟ تضامنی، اشتراکی یا استقلالی است؟

بند نخست - مسوولیت تضامنی

الف - دلایل توجیهی مسوولیت تضامنی

در توجیه مسوولیت تضامنی وکیل اول و ثالث می‌توان گفت اولاً در مسوولیت تضامنی، خسارت موکل بهتر جبران می‌شود چون موکل برای دریافت همه خسارت خود به هر یک از وکلای هر دوی آنان می‌تواند مراجعه کند، به بیان دیگر وکیل و ثالث در برابر موکل، منفرداً و مجتمعاً مسوول هستند.

ثانیاً، مسوولیت تضامنی با نظریه تجزیه‌ناپذیری رابطه سببیت سازگار است؛ بر مبنای نظریه سببیت کلی و عدم امکان تجزیه رابطه سببیت، عامل انسانی بنا به فرض تمام خسارت را ایجاد کرده و مسوول جبران تمام خسارت می‌باشد. مبنای نظریه سببیت کلی که رابطه سببیت را غیر قابل تقسیم می‌داند، این است که طبیعت رابطه سببیت چنین اقتضا می‌کند، با این توضیح که هرگاه اسباب متعدد در ایجاد ضرر دخالت داشته باشند، هر سبب، علت کل خسارت است زیرا دخالت آن سبب برای ورود زیان ضروری است و بدون آن سبب، خسارت ایجاد نمی‌کند.

ثالثاً، ضرورت‌های عملی یعنی عدم امکان یا دشواری تعیین تأثیر هر یک از



اسباب متعدد در ایجاد خسارت ایجاب می‌کند هر یک از اسباب، مسؤول تمام خسارت باشد^۱ و این امر با هدف جبران کامل خسارت زیان دیده نیز منطبق است. در حقوق ایران برخی^۲ به استناد منطق حقوقی که هر سبب در تأثیرگذاری اسباب دیگر نقش داشته، و با وحدت ملاک از پاره‌ای مواد قانونی در مورد غصب و ضمان ید و ماده ۱۴ قانون مسؤولیت مدنی، مسؤولیت تضامنی مسؤولان متعدد را در برابر زیان دیده پذیرفته‌اند.

رابعاً، وکیل حق توکیل نداشته و از حدود اختیار خود تجاوز کرده است و به صرف تجاوز از حدود اختیارات خود ید امانی وی تبدیل به ید ضمانی می‌شود و از سوی دیگر ثالث نسبت به مال موکل بیگانه است و تصرف غیر قانونی بر مال موکل داشته است، بنابراین ید ثالث نیز ضمانی است و با توجه به تعدد ایادی غاصبانه بر مال واحد و وحدت ملاک از احکام در حکم غصب و ید ضمانی، هر دو در برابر موکل مسؤولیت تضامنی دارند^۳. به نظر می‌رسد در فرضی که مال مورد وکالت در ید وکیل بوده و وی بدون داشتن اختیار آن را به ثالث تسلیم کرده است، مسؤولیت تضامنی وکیل و ثالث در نظام حقوقی ایران قابل قبول باشد.

یکی از حقوقدانان^۴ با استناد به ماده ۳۲۳ قانون مدنی معتقد است اگر وکیل بدون حق توکیل موضوع وکالت را که مال می‌باشد، به شخص ثالث تفویض کند و شخص ثالث نیز تعدی و تفریط کند و از این حیث به موکل ضرر وارد شود، وکیل اول و ثالث، مسؤولیت تضامنی دارند و موکل برای دریافت تمام خسارت خود می‌تواند به هریک از آنان یا هر دو مراجعه کند چون وکیل حق توکیل نداشته است و از حدود اختیار خود تجاوز کرده، بنابراین در برابر موکل، مسؤول است و ثالث هم نسبت به مال موکل بیگانه است و تصرف غیر قانونی بر مال موکل داشته است، بنابراین ید وکیل و ثالث، ضمانی است و هر دو در برابر موکل مسؤولیت تضامنی دارند به عبارتی موکل برای دریافت تمام خسارت می‌تواند به وکیل اول و ثالث رجوع کند^۵، حال اگر موکل به وکیل اول رجوع کرد و خسارت خود را از او دریافت کرد، وکیل اول در صورتی که دخالتی در ورود خسارت نداشته باشد، می‌تواند به شخص ثالث مراجعه کند اما اگر موکل به شخص ثالث مراجعه کند، شخص ثالث نمی‌تواند به وکیل اول مراجعه کند مگر اینکه وکیل اول

۱- تفرشی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۰۴.

۲- کاتوزیان، ۱۳۸۷، صص ۴۸۵ به بعد.

۳- کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۶۸.

۴- باریکلو، ۱۳۸۸، ص ۲۳۹.

۵- همان، ص ۲۳۹.

نیز در ورود ضرر به صورت مستقیم نقش داشته باشد^۱.

ب- جایگاه مسئولیت تضامنی در حقوق ایران

مقنن در ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی و بند ج ماده ۱۶۵ قانون دریایی به مسئولیت تضامنی اسباب متعدد تصریح کرده است. ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «در مورد ماده ۱۲ (کارگران عامل زیان) هرگاه چند نفر مجتمعاً زبانی وارد آورند، متضامناً مسؤول جبران خسارت وارده هستند.» بند ج ماده ۱۶۵ قانون دریایی نیز مقرر می‌دارد: «کشتی‌های مقصر نسبت به خسارات ناشی از فوت و صدمات بدنی در مقابل اشخاص ثالث منفرداً و متضامناً مسؤول هستند و باید خسارت وارده را جبران نمایند...». در ماده ۳۱۷ و ۳۲۳ قانون مدنی نیز به مسئولیت تضامنی غاصبان متعدد بیان شده است.

ماده ۳۱۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «مالک می‌تواند عین و در صورت تلف شدن عین، مثل یا قیمت تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از غاصب اولی یا از هر یک از غاصبان بعدی که بخواهد مطالبه کند.» ماده ۳۲۳ قانون مدنی نیز بیان می‌کند: «اگر کسی ملک مغضوب را از غاصب بخرد، آن کس نیز ضامن است و مالک می‌تواند بر طبق مقررات مواد فوق به هر یک از بایع و مشتری رجوع کرده، عین و در صورت تلف شدن آن مثل یا قیمت مال و منافع آن را در هر حال مطالبه نماید.» علاوه بر این‌ها، مقنن در تبصره ۲ ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۵۱ نیز به مسئولیت تضامنی مباشر و شریک و معاون جرم پرداخته بود، بنابراین بعضی از حقوقدانان^۲ با توجه به اینکه مقنن مسئولیت تضامنی اسباب متعدد را پذیرفته است، مسئولیت تضامنی مسؤولان متعدد را ترجیح داده و این‌گونه استدلال کرده‌اند که چون همه اسباب با مشارکت هم باعث ورود ضرر شده‌اند، مسئولیت آنان را نمی‌توان تجزیه کرد اما برخی از نویسندگان حقوقی^۳ بر این باورند که مقنن در موارد خاص قائل به مسئولیت تضامنی اسباب متعدد است، مثلاً مقنن در ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت تضامنی کارگران را مدنظر داشته است نه همه افراد و یا در مواد ۳۱۷ و ۳۲۳ قانون مدنی مسئولیت تضامنی غاصبان متعدد مطرح شده که به علت برخورد با غاصبان است و تبصره ۲ ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۵۱ نیز فقط در مورد مسئولیت مباشر، شریک و معاون جرم است.

۱- کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۶۸.

۲- کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۴۹۹.

۳- قاسم‌زاده، ۱۳۹۰، صص ۱۰۶-۱۰۵.



در واقع مسؤولیت تضامنی به عنوان یک حکم خاص و استثنایی است.^۱ اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷-۷۵۳۷ مورخ ۶۸/۶/۸ نیز در همین مورد چنین نظر داده است: «... صدور حکم محکومیت تضامنی (اشخاصی که بالاتفاق به صدور چک بلامحل اقدام نموده‌اند) به پرداخت جزای نقدی بدون نص خاص و وجهه قانونی ندارد».^۲

بند دوم - مسؤولیت اشتراکی و مساوی الف - مبانی مسؤولیت اشتراکی

در مسؤولیت مشترک، مسؤولیت به تساوی بین مسؤولان تقسیم می‌شود چون همه مسؤولان به صورت مساوی در ورود ضرر نقش داشته‌اند و ضرر ناشی از عمل مشترک همه آنان است، مسؤولیت مشترک را نباید تجزیه کرد؛ در این نوع مسؤولیت ضمان همه مسؤولان به صورت قاطع تعیین می‌شود و به نظر دادرس واگذار نمی‌شود و مسؤولیت مدنی را مجازات تقصیر نمی‌داند و با فقه اسلامی نیز سازگار است.

بسیاری معتقدند که مسؤولان متعدد باید به طور مساوی خسارت وارد آورده را جبران کنند و مسؤولیت اشتراکی اسباب متعدد را پذیرفته‌اند حتی اگر قوای این اسباب یکسان نباشد. حضرت امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله مقرر می‌دارد: «هرگاه دو نفر یا بیشتر مثلاً در قراردادن سنگی اشتراک پیدا کنند، ضمان بر تمام آن‌هاست و ظاهر این است که ضمان بین آن‌ها به تساوی است اگر چه قوای آن‌ها مختلف باشد».^۳

شیخ طوسی معتقد است اگر دو کشتی با یکدیگر برخورد کنند و کشتی‌ها و مسافران منهدم شوند با این فرض که تصادم به هر دو ناخدا قابل انتساب باشد، هر کدام مسؤول نصف خسارت وارد شده به کشتی دیگر است. بنابراین ایشان در فرض تعدد اسباب عرضی، مسؤولیت اشتراکی را پذیرفته‌اند.^۴

فقه‌های دیگری نیز در مواردی که عمل مشترک افراد باعث قتل یک نفر می‌شود، حکم به مسؤولیت اشتراکی داده‌اند.^۵

علاوه بر فقها دکتربن نیز مسؤولیت اشتراکی اسباب متعدد پذیرفته است.^۶ یکی

۱- قاسم‌زاده، ۱۳۹۰، صص ۱۰۶-۱۰۵.

۲- غلامرضا شهری و سروش ستوده جهرمی، ص ۴۰۶؛ به نقل از قاسم‌زاده، ص ۱۰۶.

۳- امام خمینی، ۱۳۶۶، ص ۸۹.

۴- شیخ طوسی، المبسوط، ج ۷، صص ۱۶۸-۱۶۹ به نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۸۷، صص ۷۸-۷۷؛ به نقل از عابدی، ۱۳۹۲، ص ۱۰.

۵- نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۷۵؛ به نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۸۷، صص ۸۶-۸۵.

۶- عابدی، ۱۳۹۲، صص ۱۰-۱۱.

از نویسندگان حقوقی نیز^۱ راهکار تساوی مسؤولیت را پذیرفته و آن را منطبق با نظریه قابلیت تجزیه رابطه سببیت می‌داند. به نظر وی، توزیع ضمان به‌طور مساوی بین مسوولان به عدالت و بنای عقلا نزدیک‌تر است.

طبق نظریه سببیت جزئی، در صورت تعدد اسباب، بر حسب تأثیر هر یک از اسباب در وقوع حادثه، مقدار معینی از ضرر به هر یک از اسباب متعدد منتسب می‌شود و هر کدام تنها سبب جزئی از خسارت است نه تمام آن، زیرا فرض می‌شود که در صورت نبودن سایر اسباب آن سبب به‌تنهایی موجب ورود زیان نمی‌شد در نتیجه، سببیت جزئی، مسؤولیت جزئی را به دنبال دارد.^۲ برخی^۳ با توجه به استثنایی بودن تضامن، معتقدند مسؤولیت میان اسباب متعدد تقسیم می‌شود، به علاوه باید گفت اصولاً تعهد به اعتبار اطراف آن، اعم از طلبکاران و بدهکاران، قابل تجزیه است و عدم تجزیه نیاز به دلیل قانونی یا قراردادی دارد، مضافاً اینکه فرض می‌شود تمام اسباب من حیث المجموع سبب خسارت بوده‌اند و یک سبب به‌تنهایی هر چند مؤثر در وقوع زیان است اما به‌تنهایی سبب خسارت تلقی نمی‌شود.^۴

در قانون مجازات اسلامی جدید نیز به مسؤولیت اشتراکی تعدد مسوولان تصریح شده است. ماده ۵۳۳ در این زمینه مقرر می‌دارد: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند، به‌طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به‌طور مساوی ضامن می‌باشند.»

ب- جایگاه مسؤولیت اشتراکی در حقوق ایران

در ماده ۵۳۲ قانون مجازات اسلامی مسؤولیت اشتراکی مسوولان متعدد پذیرفته شده است و طبق این ماده اگر مسوولان متعدد با مشارکت هم باعث ورود ضرر یا وقوع جنایت شوند، باید به تساوی جبران کنند.^۵ در آرای هیات عمومی دیوان عالی کشور نیز مسؤولیت اشتراکی پذیرفته شده است. در رأی وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور به شماره «۷۱۷»-۱۳۹۰/۲/۶ اظهار شده است که «برحسب ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی هرگاه بر خورد دو یا چند وسیله نقلیه منتهی به قتل سرنشین یا سرنشینان آن‌ها گردد، مسؤولیت هریک از رانندگان در صورت تقصیر به هر

۱- خدابخشی، ۱۳۸۸، صص ۱۶۸-۱۷۱ به نقل از عابدی، ۱۳۹۲، ص ۱۱.

۲- تفرشی و همکاران، ۱۳۸۶: ص ۲۰۵.

۳- صفایی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۶.

۴- تفرشی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۰۵.

۵- صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳، ۲۲۹.



میزان که باشد به نحو تساوی خواهد بود، ...»

ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی سابق با بیان اینکه «هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی بشوند، به طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود.» مسؤولیت مشترک اسباب متعدد و تقسیم مسؤولیت را پذیرفته بود و بر نظریه سببیت جزئی مهر تأیید زده بود.

در قانون جدید نیز قانون‌گذار با پذیرش تقسیم مسؤولیت اسباب متعدد در اجتماع سبب و مباشر^۱ و مشارکت عرضی چند سبب در ورود خسارت^۲ و اقدام زیان‌دیده در تشدید خسارت^۳ از نظریه سببیت جزئی تبعیت کرده است.

بنابراین در فرضی هم که موضوع وکالت انجام عملی باشد و وکیل بدون حق توکیل موضوع وکالت را مشترکاً با ثالث انجام می‌دهد، مسؤولیت وی و ثالث در قبال موکل به صورت اشتراکی خواهد بود و هر یک باید نصف خسارت وارده را جبران نماید و موکل نیز برای جبران همه خسارت خود باید به هر دو رجوع کند زیرا هر دو باهم باعث ورود ضرر به موکل شده‌اند و موکل نمی‌تواند تمام خسارت خود را از یکی از آنان بگیرد چون مخالف با اصل استقلال اشخاص است.^۴

بند سوم - نظریه مسؤولیت استقلالی (سبب و مباشر)

الف - مبانی نظریه

مسؤولیت استقلالی یا انفرادی به این معناست که هریک از مسؤولان به تنهایی مسؤول ضرری است که به زیان‌دیده وارد می‌کند و در قبال عمل شخص مسؤول دیگر، مسؤولیتی ندارد. مبنای این مسؤولیت اصل استقلال اشخاص است که هر شخص در قبال اعمال خودش مسؤول است^۵، همچنین استناد به قاعده وزر و اینکه هیچ‌کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد «لا تزر وازره وزر اخری» مؤید دیگری بر مسؤولیت استقلالی است.

علاوه بر این، مبنای مسؤولیت استقلالی نظریه توزیع مسؤولیت به نسبت میزان تأثیر و تجزیه رابطه سببیت نیز هست که مسؤولیت میان عوامل یا اسباب با توجه به نسبت تأثیر عمل یا مداخله هریک از عوامل یا اسباب در ورود زیان تقسیم می‌شود. این

۱- ماده ۵۲۶ ق.م.ا.

۲- م. ۵۳۳ ق.م.ا.

۳- ۵۳۷ ق.م.ا.

۴- باریکلو، ۱۳۸۸، ص ۲۳۹.

۵- باریکلو، ۱۳۸۸، ص ۲۴۲.

نظریه منطبق با اصول و عدالت است.

ب- جایگاه مسؤولیت استقلالی در حقوق ایران

مقنن در ماده ۱۴ قانون مسؤولیت مدنی، مسؤولیت به نسبت تأثیر را پذیرفته است. در بند ج ماده ۱۶۵ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳ و در تبصره ۲ و ۴ ماده اول قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی نیز مسؤولیت به نسبت تأثیر پذیرفته شده است.^۱ در ماده ۳۳۲ قانون مدنی نیز مسؤولیت سبب و مباشر بر مبنای نسبت تأثیر پذیرفته شده است. این ماده مقرر می‌کند: «هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسؤول است نه مسبب. مگر اینکه سبب اقوی باشد به‌نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.»

در ماده ۵۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی نیز این نظریه به‌صراحت بیشتری پذیرفته شده است. این ماده مقرر می‌دارد که «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست، ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به‌طور مساوی ضامن می‌باشند، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسؤول هستند...»، بنابراین مسؤولیت وکیل و ثالث را در فرضی که تلف مال و یا انجام عمل حقوقی توسط ثالث انجام می‌شود و تسلیم مال به ثالث و یا دستور انجام عمل حقوقی توسط وکیل صورت می‌گیرد، می‌توان در قالب اجتماع سبب و مباشر نیز تحلیل کرد. بر این مبنا اصولاً هر یک از وکیل و ثالث به نسبت تأثیر خود، مسؤول هستند و در صورت عدم احراز تأثیر هر یک به‌طور متساوی مسؤولند و در فرضی که تلف یا ورود ضرر صرفاً منتسب به یکی از دو نفر باشد، فقط شخص اخیر مسؤول است.

به نظر می‌رسد ماده ۶۷۳ قانون مدنی با بیان اینکه «اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته، انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند، هر یک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود، مسؤول خواهد بود.» به نظریه تجزیه رابطه سببیت و تقسیم مسؤولیت به نسبت تأثیر نظر داشته است.

بدیهی است که فرض مقنن منصرف از صورتی است که ید وکیل و شخص ثالث بر مال مورد وکالت ضمانتی است.



بنابراین اگر موضوع وکالت انجام عملی باشد و وکیل بدون حق توکیل انجام آن را به ثالث واگذار کند و ثالث مطابق دستور وکیل اول آن را انجام نداده باشد، در این صورت فقط شخص ثالث مسؤلیت دارد چون سبب مستقیم است و موکل حق رجوع به وکیل اول را ندارد چون بین تخلف وکیل اول و ضرر وارد شده، رابطه سببیت مستقیم وجود ندارد اما اگر شخص ثالث موضوع وکالت را انجام ندهد و از عدم انجام آن به موکل خسارت وارد شود، موکل حق رجوع به شخص ثالث را نخواهد داشت چون این شخص تعهدی در قبال موکل نداشته و چون تعهدی نداشته پس تخلفی هم انجام نداده و مسؤلیت قراردادی نیز نخواهد داشت. علاوه بر این شخص ثالث در برابر موکل، مسؤلیت قهری نیز نخواهد داشت چون عمل زیانباری انجام نداده است، بنابراین فقط وکیل اول در قبال موکل، مسؤلیت خواهد داشت چون وکیل اول از مفاد قرارداد تخلف کرده و در قبال موکل مسؤلیت قراردادی دارد.

حال می‌خواهیم بدانیم در فرضی که وکیل بدون داشتن حق توکیل غیر، موضوع وکالت را به ثالث تفویض کند و موکل نیز عمل وکیل را امضا نکند و موکل برای دریافت خسارت خود به ثالث رجوع کند، آیا ثالث حق رجوع به وکیل اول را دارد یا خیر؟ اگر ثالث از عدم حق توکیل وکیل اول آگاهی نداشته باشد، می‌تواند طبق قاعده غرور و ماده ۲۶۳ قانون مدنی به وکیل اول مراجعه کند و خسارتی را که پرداخت کرده از وکیل اول مطالبه کند، مشروط بر اینکه خسارت وارده ناشی از تقصیر خودش نباشد؛ ماده ۲۶۳ قانون مدنی در همین زمینه مقرر می‌دارد «هرگاه مالک، معامله را اجازه نکند و مشتری هم بر فضولی بودن آن جاهل باشد، حق دارد که برای ثمن و کلیه غرامات به بایع فضولی رجوع کند» اما اگر ثالث مطلع باشد که وکیل اول حق توکیل ندارد، درباره حق رجوع ثالث به وکیل متخلف بین حقوقدانان و فقها اختلاف نظر است.

برخی^۱ معتقدند که ثالث در این حالت حق رجوع به وکیل اول را ندارد چون به عدم حق توکیل وکیل اول آگاهی داشته پس حق رجوع ندارد و قانون‌گذار در مواد ۳۲۶ و ۲۶۳ قانون مدنی نیز در حالتی که فضول مال غصبی را با علم به غصبی بودن آن فروخته از حق رجوع به طرف قرارداد محروم کرده است، چون فضول با آگاهی از تخلف وکیل و قبول صحت به ضرر خودش اقدام کرده و اگر کسی به ضرر خود اقدام کند، نمی‌تواند به دیگری رجوع کند اما برخی از فقها^۲ معتقدند که ثالث حق رجوع به وکیل اول را دارد چون به دستور وکیل اول عمل کرده است و هر مأموری می‌تواند برای

۱- امامی، حقوق مدنی، ج ۲، ص ۳۰۷، به نقل از باریکلو، ۱۳۸۸، ص ۲۴۲.
۲- شهید ثانی، ۱۳۶۷، ص ۲۲۹، به نقل از باریکلو، ۱۳۸۸، ص ۲۴۴.

جبران خسارت ناشی از اجرای اوامر به آمر مراجعه کند. برخی از حقوقدانان^۱ معتقدند ثالث حق رجوع به وکیل اول را دارد چون وکالت مبتنی بر اعتماد و حسن نیت طرفین است و ثالث چه عالم باشد و چه جاهل، اگر در اقدامات خود متعارف را رعایت کرده باشد و مرتکب تقصیر نشده باشد، حق رجوع به وکیل متخلف را دارد. در ماده ۶۲۵ قانون مدنی نیز که در مورد عقد ودیعه است، تصرف مورد فصولی به اعتماد مستودع نوعی امانت قانونی محسوب شده است؛ این ماده مقرر می‌کند «هرگاه مستحق للغیر بودن مال ودیعه محقق گردد، باید امین آن را به مالک حقیقی رد کند و اگر مالک معلوم نباشد، تابع احکام اموال مجهول المالک است» اما اگر ثالث در اقدامات مورد وکالت فصولی اش تقصیر کند یا متعارف را رعایت نکند، نمی‌تواند به وکیل متخلف رجوع کند چون وکیل به ثالث دستور داده که کارها را به‌طور متعارف و بدون تقصیر انجام دهد.

گفتار دوم:

مسئولیت وکلای متعدد در قبال موکل در فرض وجود حق توکیل

در این گفتار ابتدا به این مسأله می‌پردازیم که اگر موکل حق توکیل به غیر را به وکیل بدهد و وکیل از اذنی که موکل به او داده، استفاده کند و وکیل دیگری را انتخاب کند و موضوع وکالت را به وکیل دوم واگذار کند و وکیل دوم تخلفی کند، آیا وکالت وکیل اول هم باقی می‌ماند؟ آیا وکیل اول هم در قبال موکل مسئولیت خواهد داشت یا خیر؟

بند نخست - بقا یا زوال وکالت وکیل اول

اصل بر این است که وکیلی که حق توکیل دارد و موضوع وکالت را به وکیل دوم تفویض کرده، وکیل باقی بماند مگر اینکه موکل تصریح به زوال وکالت وکیل اول کند یا قراینی وجود داشته باشد که دلالت بر زوال وکالت وکیل اول کند، مثلاً موکل از وکیل اول بخواهد یکی از وکلای دادگستری را برای دفاع از او معین کند؛ در این صورت با تعیین وکیل دوم وکالت وکیل اول تمام می‌شود^۲.

برخی از نویسندگان حقوقی^۳ به قصد وکیل با حق توکیل توجه نموده‌اند و معتقدند که وکیلی که حق توکیل غیر را دارد به دو شیوه می‌تواند در انتخاب وکیل دوم عمل کند: ۱- وکیل با حق توکیل قصد ندارد با انتخاب وکیل دیگر، اختیار انجام موضوع

۱- باریکلو، ۱۳۸۸، ص ۲۴۴.

۲- کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲ - ۱۶۳.

۳- غریبه، ۱۳۸۵، ص ۱۹۱.



وکالت را از دست بدهد. در این حالت موکل دو وکیل برای انجام موضوع وکالت دارد و هر دو وکیل نیز به صورت مستقل می‌توانند موضوع وکالت را انجام دهند، با این استدلال که اقدام موکل برای توکیل غیر به این دلیل است که موکل می‌خواهد هر دو وکیل به طور مستقل موضوع وکالت را انجام دهد. ۲- وکیل با حق توکیل غیر می‌خواهد همه اختیارات را به وکیل دوم تفویض کند تا وکیل دوم موضوع وکالت را انجام دهد و وکیل اول با انتخاب وکیل دوم اختیار انجام موضوع وکالت را از دست بدهد که این حق توکیل غیر به تفویض وکالت معروف است، پس در تفویض وکالت، وکیل اول با توکیل غیر، حق انجام موضوع وکالت را از دست می‌دهد.

در آرای دادگاه‌ها نیز پذیرش بقای وکالت وکیل با حق توکیل غیر دیده می‌شود. در دادنامه ۵۷۳ شعبه ۶۵ دادگاه حقوقی دو تهران چنین رأی صادر شده است: «... به علاوه استدلال وکیل خواهان با اینکه خوانده در تاریخ ۶۹/۸/۴ فاقد سمت بوده، بی‌وجه است زیرا وکیلی که حق توکیل به غیر به او عطا شده است با اعطای وکالت به غیر خود فاقد سمت نمی‌شود، او همچنان وکیل موکل خود است و اگر در انجام مفاد وکالتنامه اقدامی کند، اقدام قانونی است کما اینکه با انعقاد عقد وکالت شخص موکل نیز از خود سلب اختیار نمی‌کند و اگر موضوع وکالت را شخصاً انجام دهد، صحیح و قانونی است. دلیل دیگر دادگاه در اثبات بقای سمت وکیل در فرضی که به استناد حق توکیل به غیر وکالت داده، این است که موکل اصلی حق عزل وکیل اصلی را دارد کما اینکه حسب محتویات این پرونده وکیل قبلی عزل هم شده است ...» .

بند دوم - چگونگی توزیع مسؤولیت

الف - مسؤولیت استقلالی

در فرضی که وکیل اول با داشتن حق توکیل موضوع وکالت را به وکیل دوم می‌سپارد و وکیل دوم دچار تقصیر می‌شود، وکیل اول مسؤولیت ندارد و فقط وکیل دوم مسؤول تخلفی است که کرده و باید خسارات موکل را جبران کند مگر اینکه وکیل اول، موضوع وکالت را به شخص مناسبی تفویض نکرده باشد مثلاً شخص محجور یا معسر یا ناشایسته‌ای را انتخاب کرده باشد که در این صورت به علت تقصیرش در قبال موکل مسؤولیت دارد و مسؤولیت هر یک از وکلا در قبال موکل استقلالی و به میزان تقصیرشان خواهد بود^۱

۱- کولن و کاپیتان، ج ۲، ش ۱۳۵۸، رودیر، وکالت فرهنگ حقوق مدنی دالوز، کلمه Mandat، ش ۲۰۹ به بعد، پلنیول و ریبر، ج ۱۱، به وسیله ساواتیه، ش ۱۴۶۹، مازو، دروس حقوق مدنی، ج ۳، ش ۱۴۰۳؛ به نقل از کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۶۸.

ب- مسئولیت تضامنی

ممکن است گفته شود وقتی وکیل ثانوی مرتکب تقصیر می‌شود و به موکل اصلی خسارت وارد می‌شود، این امر حکایت از آن دارد که وکیل بلاواسطه در انتخاب وکیل محتاط و خوب تصور کرده است و او نیز تقصیر کرده، بنابراین سبب و مباشر هر دو در ورود زیان مشارکت داشته‌اند و با توجه به نظریه تجزیه ناپذیری رابطه سببیت و انتساب زیان به هر دو، آن دو متضامناً مسؤول باشند.

ج- مسئولیت اشتراکی

با توجه به اینکه وکیلی که حق توکیل دارد و موضوع وکالت را به وکیل دوم تفویض کرده است، اصولاً وکیل باقی می‌ماند و می‌تواند موضوع وکالت را به صورت مشترک با وکیل دوم انجام دهد، بنابراین اگر وکیل اول موضوع مورد وکالت را به وکیل دوم تفویض کند اما موضوع وکالت را مشترکاً انجام دهند و هر دو تخلف کنند در این صورت مسئولیت مساوی در برابر موکل دارند و هر یک باید نیمی از خسارت وارد آورده را جبران کند اما اگر تأثیر عمل یکی از وکلا بیشتر از وکیل دیگر باشد، در این صورت به نسبت تأثیر عمل مسئولیت خواهند داشت و اگر فقط یکی از وکلا تقصیر کرده باشد، فقط وکیل مقصر ضامن است و در فرضی هم که وکیل دوم در انجام موضوع وکالت تقصیر کند و وکیل اول هم که باید بر کارهای وکیل دوم نظارت عرفی داشته باشد، نظارت لازم را انجام ندهد، در این صورت هر دو وکیل در قبال موکل مسئولیت اشتراکی دارند و باید به نسبت تقصیر خود ضرر وارد آورده را جبران کنند.^۱

گفتار سوم:

مسئولیت وکلای اجتماعی

گاهی موکل برای انجام موضوع وکالت به چند وکیل وکالت می‌دهد. موکل معمولاً در وکالتنامه مشخص می‌کند که وکلا باید موضوع وکالت را مجتمعاً انجام دهند یا منفرداً اما اگر در وکالتنامه مشخص نشده بود، بر طبق ماده ۶۶۹ قانون مدنی، وکلا باید مجتمعاً اقدام کنند و اگر یکی از وکلا بدون دیگری اقدام کند، موجب مسئولیتش می‌شود چون موکل به این دلیل چند وکیل را برای انجام موضوع وکالت انتخاب کرده است که وکلا با همدیگر همکاری کنند و منافع موکل حفظ شود؛ ماده ۶۷۰ قانونی مدنی نیز بر همین اساس مقرر کرده است «در صورتی که دو نفر به اجتماع وکیل باشند به موت یکی از آنها

۱- پلنیول و ریپر و ساواتیه، دروس حقوق مدنی، ج ۳، ص ۹۰۶، به نقل از کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲.



وکالت دیگری باطل می‌شود.» یکی از فقها^۱ معتقد است که اگر نظر هر دو وکیل تأثیری در موضوع وکالت نداشته باشد، مثلاً وکلا وکالت در طلاق یا بازگرداندن امانت و یا پرداخت دین داشته باشند، هر یک از وکلا به تنهایی می‌توانند موضوع وکالت را انجام دهند. از سوی دیگر طرف معامله هم باید وکالتنامه را با دقت بخواند و فقط با یکی از وکلا معامله نکند چون در این حالت موکل می‌تواند معامله را رد کند. حال اگر وکلایی که وکالت اجتماعی دارند، مفاد وکالتنامه را نقض کنند و یا هرگونه عمل زیانباری انجام دهند که موجب خسارت موکل شود، مسؤولیت آنان در قبال موکل چگونه است؟

بند نخست - مسؤولیت تضامنی

بعضی از حقوقدان‌ها معتقدند که چون مسؤولان متعدد باهم باعث ورود ضرر به زیان دیده شده‌اند و این مسؤولیت غیرقابل تجزیه است، بنابراین زیان دیده برای دریافت همه خسارت خود به هر یک از مسؤولان یا همه مسؤولان می‌تواند رجوع کند و حق زیان دیده در این مسؤولیت بیشتر تضمین می‌شود و زیان دیده با اعسار عامل زیان مواجه نمی‌شود و به عدالت و مصلحت نزدیک‌تر است؛ این نظریه بر تجزیه‌ناپذیری رابطه سببیت تکیه دارد و در فرضی که به جهت تجاوز وکلای متعدد از حدود اختیاراتشان و یا مصلحت موکل ید همه آنان ضمانتی است، قابل قبول است.^۲

در مورد مبنای تضامن این نظر وجود دارد که چون مسؤولیت قهری عاملان زیان مبتنی بر تقصیر است، زمانی که چند نفر باعث ورود ضرر می‌شوند، پس باید هر یک مسوول کل خسارت باشند اما در مسؤولیت قراردادی چنین مبنایی وجود ندارد^۳، چنین تفکیکی بین مسؤولیت قهری و مسؤولیت قراردادی در حقوق ایران جایگاهی ندارد. در رویه قضایی فرانسه نیز در مسؤولیت قهری اگر چند شخص با همدیگر باعث ورود ضرر به زیان دیده شوند، اصل بر مسؤولیت تضامنی مسوولان است.^۴

آن دسته از استادان^۵ که مسؤولیت تضامنی وکلای اجتماعی را پذیرفته‌اند، معتقدند که چون وکلای اجتماعی موضوع وکالت را جمعی انجام داده‌اند، مسؤولیت تضامنی دارند، بنابراین موکل می‌تواند برای تمام خسارت خود به هر یک از وکلا یا به همه آنان رجوع کند.

مقنن در برخی از مواد از جمله ماده ۱۴ قانون مسؤولیت مدنی و بند ج ماده

۱- کاشانی، بدایع الصنایع، ج ۶، وکالت، برگ ۳۲، به نقل از کاشانی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۹.

۲- کاتوزیان، ۱۳۹۱، صص ۴۸۸-۴۸۶.

۳- هاشمی، ۱۳۹۲، ص ۵.

۴- Viney, ۱۹۹۸, p. ۱۷۵؛ به نقل از هاشمی، ۱۳۹۲، ص ۵.

۵- کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۶۸.

۱۶۵ قانون دریایی به مسئولیت تضامنی مسؤولان متعدد اشاره کرده است. برخی از حقوقدانان معتقدند که اشاره مقنن به مسئولیت تضامنی مسؤولان متعدد در برخی از مواد از جمله ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی از باب تمثیل بوده است نه تحدید و می‌توانیم مسئولیت کارگران را به موارد مشابه سرایت دهیم، بنابراین در مسئولیت قهری، اصل بر تضامن است. علاوه بر ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی، بند ج ماده ۱۶۵ قانون دریایی نیز به مسئولیت تضامنی مسؤولان متعدد اشاره می‌کند؛ این ماده مقرر می‌دارد «کشتی‌های مقصر نسبت به خسارات ناشی از فوت و صدمات بدنی در مقابل اشخاص ثالث به صورت انفرادی و متضامناً مسؤول هستند و باید خسارات را جبران کنند».

موضع حقوق ایران را در مورد مسئولیت تضامنی بحث کردیم، حال می‌خواهیم بدانیم مسئولیت وکلای اجتماعی در مقابل موکل به چه نحو می‌باشد؟ در قانون مدنی به نحوه مسئولیت وکلای اجتماعی تصریحی نشده است اما برخی از استادان^۲ معتقدند که چون وکلا اعمال را به صورت دسته‌جمعی انجام داده‌اند، بنابراین در برابر موکل مسئولیت تضامنی دارند و موکل برای دریافت همه خسارت خود به هریک از وکلا یا همه‌ی وکلا می‌تواند مراجعه کند.

در حقوق رم، اصل بر مسئولیت تضامنی وکلای متعدد است اما در ماده ۱۹۹۵ قانون مدنی فرانسه مسئولیت تضامنی وکلای متعدد پذیرفته نشده است مگر اینکه مسئولیت تضامنی وکلای متعدد شرط شده باشد.^۳

اگرچه برخی از استادان^۴ مسئولیت تضامنی وکلای اجتماعی را پذیرفته‌اند اما به نظر آنان این‌گونه می‌توان ایراد گرفت که زمانی وکلای متعدد در برابر موکل مسئولیت تضامنی دارند که ید آنان بر مال موضوع وکالت ضمانی باشد؛ وکلای اجتماعی حق تصرف مال موضوع وکالت را دارند و یدشان بر مال موضوع وکالت امانی است نه ضمانی، بنابراین پذیرفتن مسئولیت تضامنی وکلای اجتماعی دشوار است. مضافاً اینکه قانون‌گذار در موارد متعددی مانند تعدد اسباب عرضی و اجتماع سبب و مباشر که هر دو در وقوع زیان نقش داشته‌اند، به تجزیه‌پذیری رابطه سببیت و تقسیم مسئولیت حکم کرده است.

بند دوم - مسئولیت اشتراکی

الف - مسئولیت مساوی

طبق این نظریه، خسارت باید به صورت مساوی بین مسؤولان تقسیم شود یعنی

۱- امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸، ص ۳۰۶.

۲- کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۶۸.

۳- مازو و دوزو گلا، ج ۳، وکالت، ش ۱۴۰۵، به نقل از کاشانی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۰.

۴- کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۶۸.



اگر تعداد مسؤولان سه نفر باشد، هریک از مسؤولان باید یک سوم خسارت را پرداخت کنند، بنابراین ملاک تعیین سهم هر کدام از مسؤولان، تعداد آنان است^۱. برخی به این نظریه انتقاد وارد کرده‌اند که نقش سببی و میزان تأثیر هریک از اسباب خسارت در نظر گرفته نشده است^۲. ساواتیه فرانسوی می‌گوید: «این معیار نه تنها از اعمال سلیقه قضات جلوگیری می‌کند، بلکه از اجرای عدالت نیز توسط آنان ممانعت به عمل می‌آورد. در واقع در این معیار عدالت فدای سهولت شده است^۳.

می‌توان گفت با توجه به اینکه مقنن در ماده ۵۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی و در بحث عدم احراز تأثیر هر یک از سبب و مباشر، تساوی مسؤولیت مسوولان متعددی را که همگی به زیان دیده خسارت وارد کرده‌اند پذیرفته است، وکلای اجتماعی که همگی باعث ورود خسارت به موکل شده‌اند، مسؤولیت مساوی دارند و موکل برای دریافت نیمی از خسارت خود به هریک از وکلا می‌تواند مراجعه کند.

ب- مسؤولیت به نسبت تأثیر

بعضی از حقوقدانان معتقدند که تقسیم مسؤولیت بین مسوولان متعدد باید با توجه به نسبت تأثیری که عاملان ایجاد خسارت داشته‌اند، انجام گیرد. تقسیم خسارت به نسبت تأثیر عادلانه می‌باشد و مقنن نیز در برخی از مواد قانونی از جمله ماده ۱۴ قانون مسؤولیت مدنی و مواد ۳۱۸ تا ۳۲۰ قانون مدنی به این نوع مسؤولیت اشاره کرده است. در مورد حق رجوع غاصب به غاصبی که مال در دست او تلف شده است، این قاعده به کار گرفته شده، بنابراین اگر یکی از مسؤولان همه خسارت را به زیان دیده بپردازد، می‌تواند به مسؤول دیگر مراجعه کند و بخشی از مبلغ پرداختی را دریافت کند که این بخش با توجه به درجه تأثیر هریک از مسؤولان تعیین می‌شود، البته یکی از عوامل مؤثر در تعیین میزان این تأثیر، شدت و ضعف تقصیر هریک از مسؤولان است^۴.

علاوه بر موادی که ذکر شد، مقنن در ماده ۵۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی نیز مسؤولیت مساوی مسؤولان متعدد را پذیرفته است مگر اینکه تأثیر عمل مسؤولان متفاوت باشد که در این صورت مسؤولان به نسبت تأثیر عمل خود در برابر زیان دیده مسؤولیت دارند، بنابراین با استناد به این ماده می‌توان نتیجه گرفت وکلای اجتماعی در

۱- Mazeaud, ۱۹۷۰, p. ۶۲۳, Mazeaud, ۱۹۷۳, p. ۵۹۸; به نقل از شرافت پیم، ۱۳۹۲، ص ۸۲.

۲- Mazeaud, ۱۹۷۰, p. ۵۳۷; به نقل از شرافت پیم، ۱۳۹۲، ص ۸۲.

۳- محمد ابراهیم، ۱۹۹۲، ص ۹۵، به نقل از شرافت پیم، ۱۳۹۲، ص ۸۲.

۴- کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۴۹۷-۴۹۸ و ۵۱۸.

برابر موکل مسئولیت مساوی دارند مگر اینکه تأثیر عمل وکلا متفاوت باشد که در این صورت وکلا به نسبت تأثیر عمل خود در برابر موکل مسئولیت دارند و موکل با توجه به این نسبت می‌تواند برای دریافت خسارت خود به هر یک از وکلا مراجعه کند؛ این نظریه با عدالت بیشتر سازگار است.

ج- مسئولیت به نسبت تقصیر

در مسئولیت به نسبت تقصیر، مسؤولان به نسبت تقصیری که به زیان دیده وارد کرده‌اند، باید خسارت را جبران کنند؛ این معیار در قسمت اول ماده ۱۶۵ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۲ مورد پذیرش قرار گرفته است. این ماده مقرر می‌دارد که «اگر دو یا چند کشتی مرتکب خطا شوند، مسئولیت هر یک از کشتی‌ها متناسب با اهمیت تقصیری است که از آن کشتی سر زده، معذک اگر تشخیص اهمیت تقصیر با شواهد و قرائن ممکن نباشد و یا تقصیر طرفین به نظر یکسان برسد، طرفین به نسبت تساوی مسوول خواهند بود.» برخی معتقدند تقسیم به نسبت تقصیر عمومیت ندارد و نمی‌توانیم به همه موارد تعدد مسؤولان تعمیم بدهیم.^۱

علاوه بر اینها قبول کردن این نظریه مغایر با ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی است. این ماده بیان می‌کند «هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آن کشته شوند یا آسیب ببینند، در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هریک مسوول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است ... و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد، به گونه‌ای که برخورد به او مستند باشد، فقط او ضامن است»، بنابراین هر چند تقسیم مسئولیت به نسبت تقصیر ممکن است معیار مناسبی برای تعیین میزان مسئولیت اسباب باشد اما تقسیم مسئولیت به نسبت تقصیر در حقوق ایران، استثنایی است و به عنوان معیار کلی پذیرفته نمی‌شود^۲، در واقع در فرضی که وکلای اجتماعی موضوع وکالت را با همکاری هم انجام می‌دهند و یکی از وکلا در انجام موضوع وکالت تقصیر می‌کند و از این حیث به موکل ضرر وارد می‌شود، فقط وکیل مقصر، مسوول است و باید خسارتی را که به موکل زده جبران کند و موکل هم فقط به وکیل مقصر برای دریافت خسارت خود می‌تواند مراجعه کند.

در نهایت می‌توان گفت با توجه به قبول نظریه تجزیه‌پذیری رابطه سببیت در نظام حقوقی ایران و حاکمیت قاعده و زر در حقوق اسلامی و تجزیه تعهد به اعتبار بدهکاران،

۱- شرافت پیما، ۱۳۹۲، ص ۹۱.

۲- کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۳۹۹.



اصولاً در تعدد وکلای اجتماعی هر یک به نسبت تأثیر مسوول هستند و در صورت عدم احراز میزان تأثیر از باب منع ترجیح بلا مرجح باید به مسوولیت مساوی آنان قائل شد، البته در فرضی که به دلیل تقصیر ید همه آنان ضمانی شده، مسوولیت تضامنی تمام ضامنان موافق قواعد عام حقوق اسلامی و قانون مدنی است.

گفتار چهارم

مسوولیت وکلای متعدد استقلالی

اگر موکل برای انجام موضوع وکالت به چند وکیل وکالت بدهد و در وکالتنامه تصریح کند که وکالت آنان به نحو استقلالی است و یا هر کدام از وکلای می توانند جداگانه اقدام کنند، در صورت تقصیر و تخلف هر یک از وکلای مفاد وکالتنامه یا از الزامات حرفه‌ای‌شان در قبال موکل مسوولیت خواهند داشت، حال می‌خواهیم بدانیم این مسوولیت به چه نحو خواهد بود؟

بند نخست - اقدام مستقل هر وکیل

در صورتی که وکلای متعدد به صورت استقلالی وکالت داشته باشند، برای انجام موضوع وکالت سه حالت قابل تصور است:

حالت نخست: اگر یکی از وکلای موضوع وکالت را انجام دهد، سایر وکلای نمی‌توانند موضوع وکالت را انجام دهند چون با انجام دادن موضوع وکالت توسط یکی از وکلای وکالت منتفی می‌شود و فقط وکیلی که موضوع وکالت را انجام داده است، اگر دچار تقصیر شده باشد، در برابر موکل مسوولیت خواهد داشت.

حالت دوم: اگر هر دو وکیل به طور مستقل موضوع وکالت را انجام دهند، وکیلی که زودتر موضوع وکالت را انجام داده، عملش صحیح است و عمل وکیل دیگر، باطل است و وکیلی که معامله را زودتر انجام داده است اگر در انجام موضوع وکالت دچار تقصیر شود و از این جهت به موکل خسارت وارد شود، در برابر موکل مسوول خواهد بود.

حالت سوم: اگر هر دو وکیل به طور مستقل هم‌زمان موضوع وکالت را با اشخاص و یا شرایط متفاوت انجام دهند، عمل هر دو وکیل باطل است و هیچ‌کدام در برابر موکل مسوولیت قراردادی ندارند مگر اینکه مفاد معامله‌هایی که هر دو وکیل منعقد می‌کنند، یکسان باشد که در این صورت هر دو عمل صحیح می‌باشد به عنوان مثال موضوع وکالت مالی باشد و هر دو وکیل مال را با شرایط عقد و ثمن یکسان به شخص واحدی

بفروشند، در این صورت هر دو عقد نافذ است^۱ و اگر ضرری از جهت انجام موضوع وکالت به موکل وارد شود هر دو وکیل مسوول می‌باشند و چون به‌طور مستقل موضوع وکالت را انجام داده‌اند با توجه به اصل استقلال اشخاص مسئولیت آنان در قبال موکل نیز به صورت استقلالی خواهد بود.

بند دوم- اقدام مشترک وکلای استقلالی

گاهی ممکن است وکلایی که به صورت استقلالی وکالت دارند، موضوع وکالت را با همکاری یکدیگر و به صورت مشترک انجام دهند، در این حالت اگر از عمل مشترک وکلا به موکل خسارتی وارد شود، با استناد به ماده ۵۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی مسئولیت آنان در قبال موکل اشتراکی خواهد بود و به تساوی در برابر موکل مسئولیت خواهند داشت و موکل برای دریافت نیمی از خسارت خود به هریک از وکلا می‌تواند رجوع کند مگر اینکه تأثیر عمل وکلا متفاوت باشد که در این صورت وکلا به نسبت تأثیر عمل مسوول ضرر وارده بر موکل می‌باشند؛ ماده ۵۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی مقرر می‌دارد «هرگاه دو یا چند عامل برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد، به‌طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسوول هستند.»

ممکن است در مقابل گفته شود فرض مذکور از مصادیق تعدد اسباب عرضی است که مطابق مواد ۵۲۷، ۵۲۸ و ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی مسئولیت هر یک از وکلای دخالت کننده در تصرف مادی و حقوقی مساوی می‌باشد، لکن به نظر می‌رسد باید مواد مذکور را تفسیر مضیق کرد و ناظر به فرضی دانست که میزان تأثیر هر یک از اسباب متعدد نامعلوم باشد و الا قاعده تجزیه‌پذیری رابطه سببیت و عدالت و قاعده وزر اقتضا دارد که هرکدام به نسبت میزان تأثیر خود مسوول باشند.

گفتار پنجم:

مجمل ماندن عامل ورود زیان در تعدد وکلا

اگر از بین چند سبب معین، یکی از اسباب باعث ورود خسارت به زیان دیده شود و علم اجمالی به ایجاد زیان توسط یکی از چند سبب وجود داشته باشد و این سبب را



نتوان مشخص کرد، به این سبب مجمل می‌گویند، به بیان دیگر شبهه محصوره باشد. مقنن در مواد ۴۷۷ تا ۴۸۷ قانون جدید مجازات اسلامی مسؤولیت سبب مجمل را تعیین کرده که برخلاف قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ راهکار آن قرعه نیست. مقنن سه حالت را بیان کرده است.

بند نخست - وجود اقرار در بین اسباب مجمل

اگر تمام یا برخی از اسباب مجمل اقرار کنند در تبصره ماده ۴۷۷ و ماده ۴۸۳ قانون جدید مجازات اسلامی حکم به تخییر برای رجوع به هریک از اقرارکنندگان داده شده است. تبصره ماده ۴۷۷ قانون جدید مجازات اسلامی بیان می‌دارد «...تبصره - هرگاه منشأ علم اجمالی، اقرار متهمان باشد، حسب مورد اولیای دم یا مجنی علیه مخیرند برای دریافت دیه به هر یک از متهمان مراجعه کنند و در این امر تفاوتی بین جنایت عمدی و غیر عمدی و قتل و غیر قتل نیست.»

با توجه به اینکه مبنای حکم مذکور، قاعده اقرار می‌باشد «اقرار العقلای علی انفسهم جایز» به نظر می‌رسد جنبه کیفری حکم و پرداخت دیه خصوصیتی در آن نداشته باشد و در مورد تمام زیان‌های مالی و بدنی و معنوی نیز قابل اعمال باشد، بنابراین خواه در فرض و کیلی که بدون حق توکیل و کالت را به ثالث واگذار کرده است و خواه در فرض تعدد و کلای اجتماعی و استقلالی، در صورت وجود علم اجمالی به ورود ضرر توسط یکی از وکلا یا جمع محصور و فقدان علم تفصیلی به عامل زیان، با بودن اقرار واحد یا متعدد موکل بتواند به مقرر واحد یا یکی از اقرارکنندگان به انتخاب خود مراجعه کند.

بند دوم - علم اجمالی ارتکاب جنایت و حصول لوث

حالت دوم زمانی است که علم اجمالی به ارتکاب جنایت وجود دارد و لوث محقق شده است؛ این حکم ویژه زیان‌های بدنی است و در مورد زیان‌های غیر بدنی قابل اعمال نیست و به نظر می‌رسد در مورد تعدد وکلا کمتر متصور باشد.

بند سوم - علم اجمالی ارتکاب جنایت و عدم حصول لوث

قانون‌گذار در مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در فرض علم اجمالی به ارتکاب جنایت توسط یکی از اسباب محصور و عدم تحقق لوث، در مورد قتل دیه را به عهده بیت‌المال نهاده و در مورد غیر قتل دیه بر عهده اسباب ظاهری دخیل در



حادثه است.

به نظر می‌رسد با توجه به نظریه‌های تقصیر و یا حفاظت مشترک و نظریه شخصیت حقوقی عملی و اندیشه‌ی حمایت از حقوق زیان‌دیده و توزیع ضرر که در حقوق تطبیقی مورد استناد قرار می‌گیرد، بتوان در مورد زیان‌های غیر بدنی نیز تساوی مسئولیت عوامل و اسباب مجمل را در حقوق ایران مطرح کرد، بنابراین با توجه به اینکه مقنن در مسئولیت سبب مجمل اصولاً قائل به تساوی است، به نظر می‌رسد در فرضی که وکلا مجتمعاً موضوع وکالت را انجام می‌دهند و به علت تقصیر یکی از وکلا به موکل ضرر وارد می‌شود اما وکیل مقصر مشخص نیست بتوان قائل به تساوی مسئولیت وکلا شد و موکل نیز بتواند برای دریافت نسبتی از کل خسارت خود به هریک از وکلا مراجعه کند، البته در فرض وجود اقرار یکی از وکلا به ارتکاب تمام واقعه زیانبار یا اقرار تمام یا برخی از آنان، قاعده تخییر موکل قابل اعمال باشد.



نتیجه

با بررسی قانون مدنی معلوم می‌شود که مقنن در مورد مسؤولیت وکیل دو حکم مقرر کرده است، یکی ماده ۶۶۶ قانون مدنی که وکیل را در صورت تقصیر و از باب تسبیب ضامن می‌شمارد و دیگری ماده ۶۷۳ قانون مدنی، در مورد وکیلی که بدون حق توکیل موضوع وکالت را به دیگری واگذار می‌کند، هر یک از وکیل و شخص ثالث را نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود، مسوول می‌داند و ظاهراً هنوز بر مبنای قاعده تسبیب می‌خواهد موضوع را حل کند، لیکن بررسی دقیق موضوع نشان می‌دهد که نباید به ظاهر قانون مدنی اکتفا کرد و ملاحظه فروض متعددی که ممکن است چند نفر وکیل دیگری باشند، بیانگر آن است که قاعده تسبیب در برخی از فروض قابلیت اجرا نخواهد داشت، بنابراین لازم است مقنن در احکام مربوط به مسؤولیت وکلا تجدید نظر نماید و ما نیز راهکارهای زیر را پیشنهاد می‌دهیم:

۱- در فرضی که موکل دو یا چند شخص را به عنوان وکیل انتخاب کرده و بر حسب تصریح یا از قراین بر می‌آید که هر یک در انجام مورد وکالت از استقلال برخوردار هستند، در صورت تقصیر هر کدام در انجام وکالت و ورود زیان به موکل از باب تسبیب ضامن هستند، البته در فرضی که وکیل اقدام کننده از حدود مصلحت تجاوز کند و یا از حدود اختیارات خود فراتر رود و انقلاب ید امانی به ید ضمانی تحقق یابد جای استناد به قاعده تسبیب نیست و به دلیل مسؤولیت عینی وکیل و حکومت قاعده علی الید او در هر حال ضامن است ولو تقصیر نکرده باشد و یا حادثه زیانبار به او مستند نباشد، همچنین در فرض تعدد وکلای استقلالی در صورتی که آنان به اشتراک اقدام کنند، کیفیت مسؤولیت آنان تابع فرض تعدد وکلای اجتماعی می‌باشد.

۲- در فرضی که اختیار وکلای متعدد به نحو اجتماعی باشد و آنان ملزم باشند وکالت را با یکدیگر و به اشتراک مورد انجام دهند، در صورت اقدام مشترک و تقصیر آمیز بودن عمل آنان و ورود خسارت به موکل، هنوز از باب تسبیب همگی ضامن هستند، لیکن مسؤولیت اشتراکی آنان و یا مسؤولیت تضامنی همه آنان در برابر موکل و مسؤولیت اشتراکی آنان در بین خود وکلا، مورد تردید است؛ به نظر می‌رسد با توجه به پذیرش

نظریه تجزیه پذیری رابطه سببیت و قاعده وزر و استثنایی بودن مسئولیت تضامنی در حقوق ایران، که از تجزیه پذیری تعهد به اعتبار اطراف آن ناشی می‌شود، و با وحدت ملاک از ماده ۶۲۵ قانون مجازات اسلامی در مورد انتساب زیان به سبب و مباشر که هر کدام را به نسبت تأثیر مسوول شناخته است، باید مسئولیت اشتراکی وکلای متعدد را قبول کرد و هر یک را به نسبت تأثیر ضامن شناخت و در صورت عدم احراز میزان تأثیر، مسئولیت به تساوی تقسیم می‌شود. بدیهی است در فرض ضمانی شدن ید وکلای متعدد اجتماعی و تلف یا نقص مال مورد وکالت باید مسئولیت تضامنی همه آنان را بر حسب قواعد غصب مقرر کرد.

۳- در فرضی که یکی از وکلای متعدد، خواه در فرض استقلال و خواه در فرض اجتماع، مال مورد وکالت را تلف یا ناقص کرده است یا اقدامی کرده که موجب خسارت شده، بدون اینکه بتوان به تفصیل عامل را معلوم نمود، قانون مدنی ساکت است، لیکن قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۹۳۱ در فرض علم اجمالی به ارتکاب جنایت توسط یکی از اسباب محصور و عدم تحقق لوث، در مورد قتل دیه را به عهده بیت‌المال نهاده و در مورد غیر قتل دیه بر عهده اسباب ظاهری دخیل در حادثه است.

به نظر می‌رسد با توجه به نظریه‌های تقصیر و یا حفاظت مشترک و نظریه شخصیت حقوقی عملی و اندیشه حمایت از حقوق زیان‌دیده و توزیع ضرر، که در حقوق تطبیقی مورد استناد قرار می‌گیرد، بتوان در مورد زیان‌های غیر بدنی نیز تساوی مسئولیت عوامل و اسباب مجمل را در حقوق ایران مطرح کرد، بنابراین با توجه به اینکه مقنن در مسئولیت سبب مجمل اصولاً قائل به تساوی است، به نظر می‌رسد بتوان قائل به تساوی مسئولیت وکلا شد و موکل نیز بتواند برای دریافت نسبتی از کل خسارت خود به هریک از وکلا مراجعه کند، البته در فرض وجود اقرار یکی از وکلا به ارتکاب تمام واقعی زیانبار یا اقرار تمام یا برخی از آنان، قاعده تخییر موکل قابل اعمال باشد.

۴- در فرضی که وکیل حق توکیل دارد و موضوع وکالت را به وکیل دوم تفویض کرده است، اصولاً سمت وکیل نخست باقی می‌ماند و می‌تواند موضوع وکالت را مشترکاً با وکیل دوم انجام دهد، بنابراین اگر موضوع وکالت را به طور مشترک انجام دهند و هر دو تقصیر کنند، در این صورت مسئولیت



مساوی در برابر موکل دارند و هر یک باید نیمی از خسارت وارد آورده را جبران کند اما اگر تأثیر عمل یکی از وکلا بیشتر از وکیل دیگر باشد، در این صورت به نسبت تأثیر عمل در ورود زیان مسؤولیت خواهند داشت و اگر فقط یکی از وکلا تقصیر کرده باشد، فقط وکیل مقصر ضامن است.

در فرضی هم که وکیل دوم در انجام موضوع وکالت تقصیر کند و وکیل اول هم که باید بر کارهای وکیل دوم نظارت عرفی داشته باشد، نظارت لازم را انجام ندهد، در این صورت هر دو وکیل در قبال موکل مسؤولیت اشتراکی دارند و باید ضرر وارد شده را به نسبت تقصیرشان جبران کنند؛ این احکام بر مبنای قاعده تسبیب و تجزیه پذیری رابطه سببیت توجیه می‌شود.

۵- در نهایت در فرضی که وکیل حق توکیل نداشته و از حدود اختیار خود تجاوز کرده و موضوع وکالت را به دیگری تفویض کرده است، به صرف تجاوز از حدود اختیارات خود ید امانی وی تبدیل به ید ضمانی می‌شود و از سوی دیگر ثالث نسبت به مال موکل بیگانه است و تصرف غیر قانونی بر مال موکل داشته، بنابراین ید ثالث نیز ضمانی است و با توجه به تعدد ایادی غاصبانه بر مال واحد و وحدت ملاک از احکام در حکم غصب و ید ضمانی، هر دو در برابر موکل مسؤولیت تضامنی دارند اما اگر ثالث بر مال مورد وکالت تصرفی نداشته باشد و صرفاً عمل حقوقی را برای موکل اصلی انجام داده باشد ماده ۳۷۶ قانون مدنی مجراست یعنی هر یک از وکیل و ثالث نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود، مسوول خواهد بود و تقسیم مسؤولیت اصولاً به نسبت میزان تأثیر خواهد بود.

فهرست منابع

۱. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، جلد یک، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۲. باریکلو، علیرضا، حقوق مدنی (۷ عقود معین ۲، عقود مشارکتی، توثیقی و غیر لازم، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۳. بازگیر، یدالله، قانون مدنی در آینه آرا دیوان عالی کشور: در وکالت و عقد ضمان و احکام راجع به آنها، تهران، فردوسی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۴. تفرشی، محمدعیسی؛ شرافت پیما، محمدرضا؛ صادقی، محمود، تأثیر همراهی قوه قاهره با تقصیر خوانده بر مسئولیت مدنی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، ۱۳۸۶، شماره ۴، صص ۲۲۰-۱۹۳.
۵. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، جلد ۲، قم، انتشارات دارالعلم، ۱۳۶۶.
۶. شرافت پیما، محمدرضا، تقسیم خسارت میان مسوولان متعدد در مسئولیت قهری، پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۱۷، ۱۳۹۲، شماره ۱، صص ۹۷-۷۸.
۷. شهری، غلامرضا؛ ستوده جهرمی، سروش، نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در مسایل کیفری از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۱، تهران، روزنامه رسمی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۸. صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب الله، مسئولیت مدنی، تهران، نشر سمت، چاپ ششم، ۱۳۹۳.
۹. قاسم زاده، سیدمرتضی، حقوق مدنی: الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، تهران، نشر میزان، چاپ نهم، ۱۳۹۰.
۱۰. عابدی، محمد، راهکار قانون مجازات اسلامی در مورد مسئولیت مدنی سبب مجمل و قلمرو اعمال آن در خطای پزشکی، چهارمین همایش طب و قضا، ۱۳۹۲، صص ۱۲-۵.
۱۱. عابدی، محمد، معمای تعدد اسباب در قانون مجازات اسلامی با تأکید بر مسئولیت مدنی اسباب و عوامل متعدد در خطاهای پزشکی، چهارمین همایش سراسری طب و غذا، ۱۳۹۲، صص ۲۴-۱.
۱۲. غریبه، علی، قابلیت عزل وکیل با واسطه در وکالت بلاعزل با حق توکیل غیر، فصلنامه علامه، دوره ۲، ۱۳۸۵، شماره ۹، صص ۱۹۸-۱۸۷.
۱۳. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، جلد یک، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.



۱۴. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۱۵. کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی، عقود معین، جلد ۴، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم، ۱۳۹۱.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی عقود معین - عقود اذنی - وثیقه‌های دین، جلد ۴، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم، ۱۳۹۲.
۱۷. کاشانی، سید محمود، حقوق مدنی، قراردادهای ویژه، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۸. کلانتری خلیل آباد، عباس؛ سلیمانی پای طاق، سعیده، مسؤولیت مدنی سبب مجمل با رویکردی بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۱، ۱۳۹۴، شماره ۲، صص ۴۴۲-۴۱۳.
۱۹. لطفی، اسدالله، مبانی فقهی حقوقی اجتماع اسباب در مسؤولیت مدنی، پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۰، ۱۳۹۳، شماره دوم، صص ۳۰۴-۲۷۱.
۲۰. محسنی، حسن؛ مرادی نژاد، رضا، مطالعه تطبیقی راهکارهای جبران زیان ناشی از سبب مجمل و ناشناس در مسؤولیت مدنی، فصلنامه حقوق، دوره ۴۰، ۱۳۸۹، شماره اول، صص ۳۱۶-۲۹۷.
۲۱. هاشمی، سید احمدعلی، اسباب متعدد در مسؤولیت مدنی، دوفصلنامه دانش حقوق مدنی، دوره ۲، ۱۳۹۲، شماره دوم، صص ۱-۱۵.